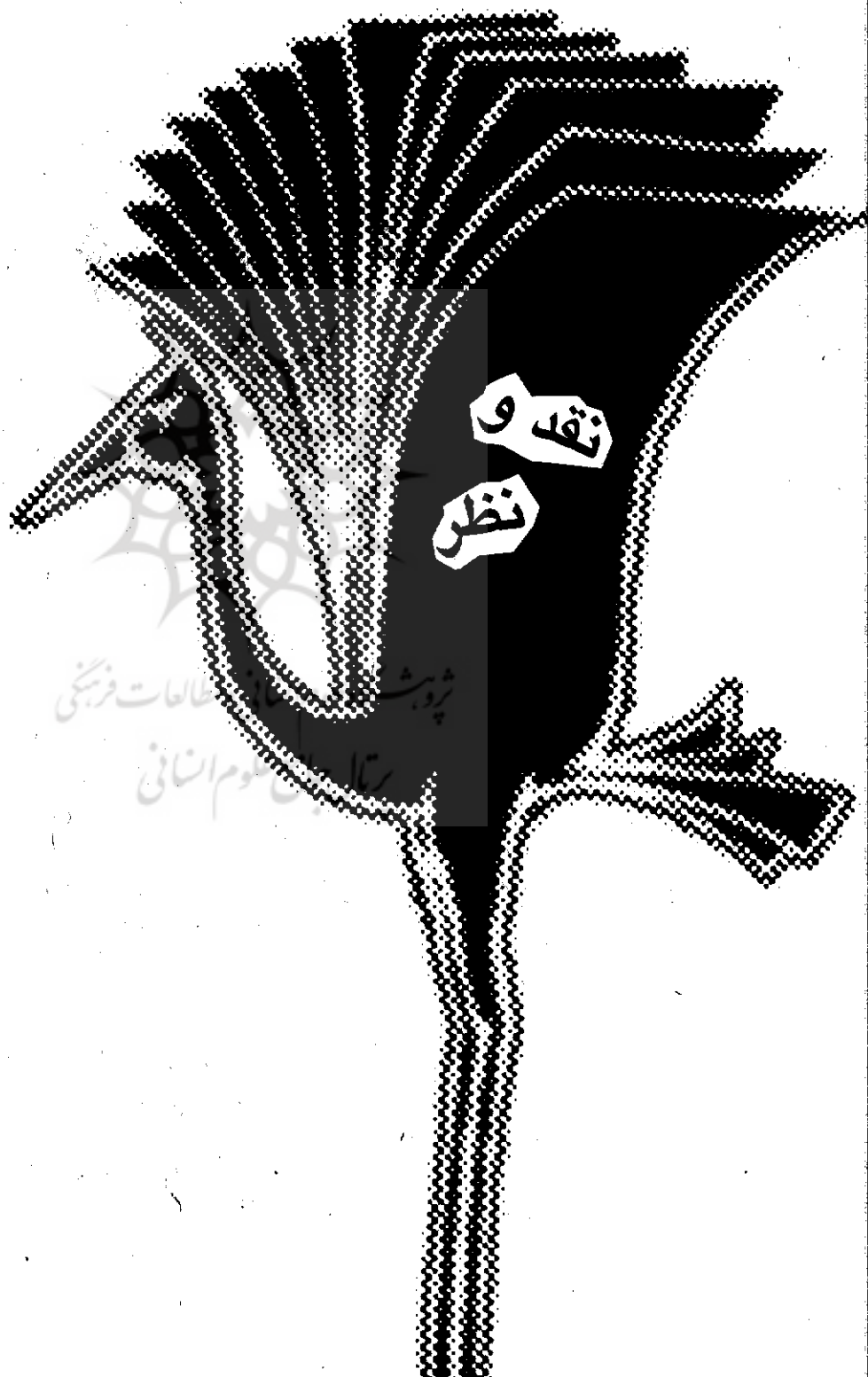


گشت و گذار در

کوچه ' اقا قیا

رمان هیس روایت

تنهایی انسانها



# گشت و گذار در کوچ افاقیا

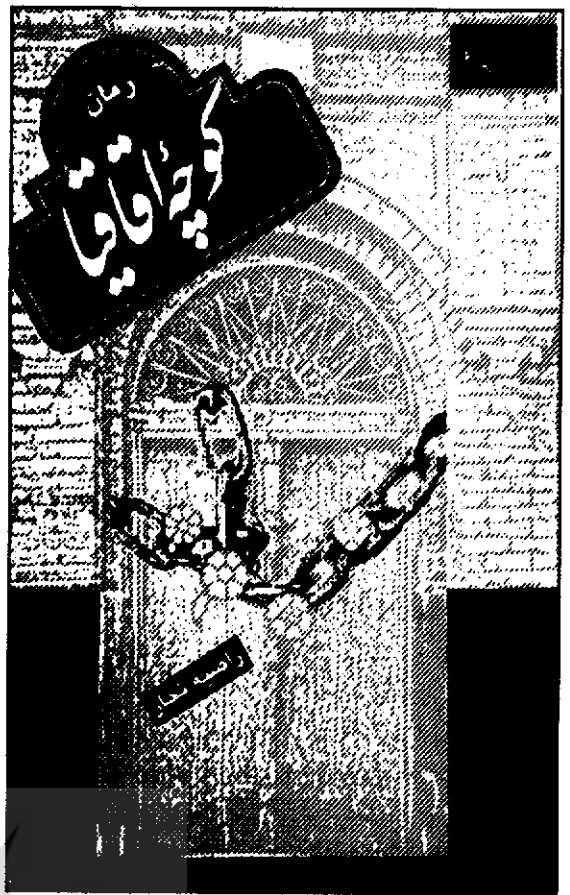
تحلیل داده های خود می پردازد. همین امر باعث شد، تا براحتی بتوان به عمق اندیشه های او دست یافت و قواعد و رموز کارش را تبیین کرد.

باید اذعان داشت که نویسنده اثر از سرمایه لفظ برخوردار است و با توجه به ساخت فضا، شخصیتها، و حادثه ... قدرت احضار واژگان مناسب و اثرگذار را دارد؛ با این حال ذوق تصویرگری اشیاء قدیمی باعث شده که خواننده در بخشهای نخستین داستان خسته شود؛ هرچند که غالب این اشیاء، جنبه نمادین دارند. استفاده بیش از حد از اشیاء قدیمی نوعی بیانگر دیدگاه سنت گرائی نویسنده در تقابل با مدرنیسم است. او پیوسته و به کرات وفاداری خود را به جامعه سنتی ایرانی حفظ کرده و با تأکید بسیار، این جامعه را با تمامی زیباییها و زشتیهایش در برابر چشمان خواننده قرار می دهد. در اصل تجدد و تجددگرائی عواملی نبوده اند که بتوانند ذهن او را به خود مشغول دارند. این مسأله حتی در شیوه روایتی داستان و ساختار و اسکلت بندی اثر نیز نمود پیدا کرده است. به عبارتی دیگر: تجار در تمامی آثارش به استفاده از عناصر مدرنیسم پایبند نبوده و به احتمال قوی پایبند نیز نخواهد بود.

با این اوصاف، او با پرهیز از کثرت گرائی و تعدیل سازه های سنتی می تواند در قوام یافتن اثر بکوشد. تعدیل این عناصر باعث استحکام تعداد محدود عناصر سنتی می شود. آجرهای قزاقی، نقل و بیدمشک، فواره، اسپند، طبقها، آئینه، شمعدان، مجمع، توری سپید، فانوس رنگی، شلیقه، سکه اشرفی، کفش پاشنه صناری، و ... همان طور که بیان شد-

با بررسی مجموعه آثار راضیه تجار، خاصه رمان کوچ افاقیا، چه از جنبه ساختاری و چه از جنبه محتوایی مشخص می شود که دریافت های نویسنده از ساحت هستی، جملگی، بر پایه اصول عینیت نگری، مستندسازی، و دلالت گری استوار است. او همچون پژوهشگری است که در بطن جامعه خود می گردد تا به روابط علی حاکم بر ساختار اجتماعی این مرز و بوم دست یازد و صرفاً مایه هایی از حقیقت محض، تلخ و شیرین، را پیش چشمان خواننده نمایش دهد. معمولاً نویسندگانی از این دست، بسرعت در معرض این اتهام قرار می گیرند که در رمانهایشان گرایه ها، تجربیات و ارزشهای سنتی فرهنگی پیش ساخته را سرلوحه کار خود قرار می دهند. باید پذیرفت که عینیت نگری محض غیر قابل دسترس است و به هیچ عنوان نمی توان مدعی شد که هنرمند، مستندسازی مطلق است. او همواره می کوشد از منظری خاص تصویرگر حقایق باشد و زرفاهای روح آدمی، ساختار اجتماعی و ارزشهای نهادینه شده فرهنگی را بکاود. آشکار ساختن تمامی ارزشهای موجود، به خواننده امکان می دهد که اولاً آنچه خود از دیدنش هافل بوده و نتوانسته به آن دست یابد را درک کند؛ ثانیاً به سنجش آگاهانه و اصولی ماهیت هستی نائل شود.

راضیه تجار با در نظر گرفتن پیش انگاره های شخصی خود همچون زن مداری، طبیعتگرائی، نماد و شیء وارگی درصدد است روایتگر نهانخانه نهاد انسان و جامعه پیرامونش باشد. چنین سبک و سیاقی در تمامی داستانهای او به چشم می خورد. در واقع، تجار با پیروی از یک رویه ثابت، به ارزش یابی و



## ● کامران پارسی نژاد نقد رمان کوچه اقا قیا

تحت ظلم و فشار قرار گرفتن نوعروسان است. در جامعه سنتی ما به هیچ عنوان به روحیه و عواطف نوعروسان توجهی نمی شده است. این قانون حتی شامل عروس دوم، ماه منظر، هم می شود. او نیز مجبور است از قوانین حاکم بر ساختار خانواده ها تبعیت کند و دم فرو بندد.

زنان جامعه سنتی تنها و تنها پس از سپری کردن بهترین دوران زندگی خود، یعنی جوانی، می توانستند بال و پری گیرند و قدرت نمائی کنند. این در حالی بوده که در آن زمان خود به دیکتاتورهای مبدل گشته بودند که نوعروسان خود را تحت فشار و ظلم قرار می دادند.

طبق چنین قوانینی میرزا ابوتراب هم عامل اصلی و هدایتگر جریان به حساب نمی آید. او نیز برخلاف عقاید و میل باطنی خود تن به این قانون داده است و همسر خود را به صبر و بردباری دعوت می کند و برای همسر سابقش دل می سوزاند. سرگذاشتن برسجاده ای که مادر با آن نماز خوانده، بیانگر تحت فرمان بودن میرزا ابوتراب است.

«بعد به اتفاق جلودستی می رفت و جلوی مادر که گوئی تا صبح بیدار نشسته بود، سر خم می کرد و بر همان سجاده ای که او نماز خوانده بود، پیشانی می سود و نماز می خواند. بعد از نماز برای خود طلب مغفرت می کرد. آیا در حق خانم کوچک کوتاهی نکرده بود؟» (ص ۶۳)

میرزا ابوتراب در جای دیگر، به طور علنی، قاعده بازی در جامعه سنتی ایرانی را بیان می کند: «مادر، بزرگتر این خانه است. بگذارید حکم براند...» (ص ۶۹)

غالب این واژگان چندسویه اند و دارای معانی نمادین. آئینه، شمعدان، فواره، گل سرخ، پنجره، کلاغ، آدم و حوا، النگو طرح مار، ساقه گندم، و... مانند آن نیز از این جمله اند.

نویسنده در استفاده از نماد نیز اصراف ورزیده. تمامی این نمادها، در عین تنوع دارای وجوه مشترکند. برخی از این نمادها متوجه میرزا ابوتراب است که دوباره از دواج کرده و همسر اولش را که دچار بیماری روانی شده به زنجیر کشیده. بسیاری دیگر متوجه زن اول ابوتراب یعنی کوچک خانم می گردد و تعدادی دیگر وصف حال زن دوم، ماه منظر و مادر میرزا ابوتراب یعنی خانم جان است. دسترسی به تمامی این تمثیل ها باسانی صورت می پذیرد و همه آنها همسو با مضمون اصلی داستان طراحی شده اند که با توجه به حجم زیاد نمادها بررسی تمام آنها به مجال وسیع و گسترده تری نیاز دارد.

از دیگر ویژگیهای بارز رمانهای تجار، پیش انگاره های زن مدارانه اوست. ظلم واضح و روشن مردان به زنان، عدم توجه به عواطف روحی روانی آنها، عدم شناخت زنان، مرموز بودن زنان، ظلم زنان بر زنان از جمله مواردی هستند که مورد توجه نویسنده هستند. باید این نکته را نیز در نظر داشت که وجود چنین دیدگاهی می تواند بشدت طرح، مضمون و درونمایه اثر را تحت تأثیر خود قرار دهد.

از نکات بسیار حائز اهمیت در این اثر برداشتهای به بار نشسته جامعه سنتی ما از جایگاه زن است. نویسنده در این اثر، با ریزینی خاصی این جایگاه را تعیین کرده است. از عوامل طرح شده در داستان تدارک شرایط بسیار مطلوب برای مردان و

«اگر دو تا هم نوبی گوش من بزند، سر بلند نمی کنم که بگویم چرا؟ شما که دیگر جای خود دارید.» (ص ۶۹)

لازم به ذکر است که در رمان فوق جامعه اشرفی سنتی و کم درآمد، همسو با یکدیگر زیر ذره بین قرار گرفته اند و موقعیت زنان و مردان در این جوامع مشخص شده است. در این راستا نویسنده معتقد است که موقعیت زنان در خانواده های کم درآمد بدتر و وخیمتر بوده است.

کفتر چاهی و ماهی ای که توسط گریه و کلاغ خورده می شوند، بیانگر تمثیل وار این مدعاست.

«حوضی که کلاغی بر پا شویه اش نشسته بود و بر ماهی شکم دریده ای نوک می کوبید.» (ص ۸)

«و در خونی کفتر چاهی هائی که گریه پاره پاره شان کرده بود.» (ص ۹)

معمولاً رویه ثابت برای تبیین نوع رمانها، توجه به عناصر و مبانی مطرح شده در آثار است. دریافت چنین مضامین و تطبیقش با عناصر کلیدی داستانی چون درونمایه، کشمکش، و حادثه می تواند مشخصگر میزان وحدت و انسجام حاکم بر اثر باشد.

اگر بخواهیم رمان کوچه اقا قیا را بدین نیت در غربالی الک کنیم، درمی یابیم که این اثر ادبی بیشتر از آن که یک رمان احساسی (sentimental novel) محسوب شود، یک رمان اجتماعی ناب (social novel) است.

نویسنده ضمن توجه به ماهیت جامعه ایرانی سنتی، عقاید مهمه ای را که در سطح جامعه مطرح است، در آوردگاه داستانی خود منظور کرده است. از این رو می بینم عملکردهای شخصیت های داستانی - که با توجه به رابطه مرسوم کنش و واکنش شکل می گیرد - با ریزبینی خاصی گزینش و در منظر چشمان خواننده گشوده شده است. روشن است که خلق چنین صحنه هائی، باعث می شود تا میزان اثر گذاری و تأثیر پذیری شخصیت های داستانی را هم مورد ارزیابی قرار دهد. همچون اثر گذاری میرزا ابوتراب و مادرش از یک سو و تأثیر پذیری دو همسر ابوتراب از سوتی دیگر.

از دیگر مبانی مطرح در بطن رمان کوچه اقا قیا - که اثر را در زمره رمانهای اجتماعی قرار داده - حکایت کمبودها و نقایص است. این کمبودها هم در قالب عناصر مادی به تصویر کشیده شده است و هم در قالب معنوی. از هر سو که می نگریم، چنین کمبودهایی را احساس می کنیم. چنین کمبودهایی حتی در بنمایه های ذهنی شخصیت های چون ابوتراب و مادرش نیز دیده می شود و گاه به بیرون سرریز می شود.

این اثر را از افقهای معنایی دیگری هم می توان کاوید. چرا که در هر رمان مبانی در نظر گرفته شده بسیار است و از این روست که چنین اثری در گروه رمانهای احساسی هم جای می گیرد. با پیش کشیدن عواطف، احساسات، و هیجانات، باعث شده تا کوچه اقا قیا این گونه مطرح گردد. البته نویسنده برخلاف برخی از نویسندگان مطلق گرای احساسی سعی در

تحریک احساسات خواننده نکرده و اجازه داده تا کتشیها و حوادث، خود انعکاس دهنده حقایق باشند. نکته جالب در این گونه آثار این است که شخصیت های داستانی بسیار به حفظ آبرو علاقمندند و نمی خواهند تصویر ناخوشایندی در ذهن دیگر افراد ایجاد کنند.

با این حال واکنش خواننده در برابر آنها با توجه به عملکردشان رقم می خورد و هر چه آنان سعی در پوشاندن خصیصه های نادرست خود دارند، نمی تواند مضمشر و واقع گردد. همچون بروز احساس همدردی با همسر اول ابوتراب. ابوتراب هر چه سعی می کند رفتار خود را توجیه کند، بی فایده است.

راضیه تجار در راستای نزدیک شدن به عنصر حقیقت، به توجیه داده های خود نپرداخته است. برعکس، او در غالب صحنه ها به تقلید از حقایق محض و در برخی صحنه ها به کشف حقایق مهم دست یازیده است. نویسنده در جنبه های روانشناختی و احساسی اثر بیشتر به کشفیات قابل توجه دست یافته است. همین کشفیات باعث شده تا پیوندی منطقی میان شخصیتها، راوی، و خواننده برقرار شود.

راضیه تجار مبتکر سبکی نویسی، با این حال وجود چنین ویژگی هایی باعث شده که نویسنده برای خود سبکی خاص داشته باشد. چنین سبکی که بر پایه تصویر سازی مکرر، نماد، گرایش به ناتواریسم، و سنت گرائی ... استوار گشته، شناساننده نویسنده خاص ماست. سبکی که از تلفیق عناصر خاص ساخته شده و عمری یکدست و بی تغییر باقی مانده است.

اینک در باب تطبیق این رمان باور پذیر و ملموس با مکاتب ادبی مرسوم، باید اذعان داشت که کوچه اقا قیا با توجه به سبک و سیاق مکتب کلاسیسیسم و با گرایش های عمیق به مکتب ناتواریسم نگاشته شده است.

توصیف طبیعت و مباحث اخلاقی - اجتماعی از ویژگی های بارز این اثر و سایر آثار تجار است که به پیروی از دو مکتب یاد شده نگاشته شده است. نویسنده در درجه اول سعی کرده میان آیدنولوژی و بنمایه نهفته در اثر با قالب و ساختار داستانی همخوانی ایجاد کند و پس از آن در پی تقلید و کشف طبیعت است.

طبق نظر صاحب نظران این وادی، اثر نباید تنها به صرف تقلید از طبیعت نگاشته شود، بلکه جنبه های آموزنده و اخلاقی نیز مد نظر است و باید مورد توجه نویسنده باشد.

از دیگر اصول رعایت شده در مکتب کلاسیسیسم که در کوچه اقا قیا نیز دیده می شود، روشنی و وضوح طرح و درونمایه است. لازم به ذکر است که هدف از نگارش داستان ارائه طرحی ساده و پیش پا افتاده نیست، بلکه هنرمندی نویسنده در گزینش واژگان زیبا و ظریف است؛ به دور از کوچکترین ابهام و انتخاب واژگان زائد و نامفهوم.

از دیگر نکات بارز در این رمان و مدت میان زمان، مکان،

و موضوع است. این وحدت نه تنها در تک تک عناصر یادشده دیده می شود بلکه هر یک با یکدیگر نیز به چشم می خورد.

راضیه تجار می داند که ادبیات ناب داستانی، به هیچ رو با میانی مبتدل و غیر اخلاقی مرتبط نیست و تا آن جا که می تواند از آن روی گردان است. رعایت چنین اصولی باعث می شود که شخصیت های داستانی اش، چه منفی و چه مثبت، از جایگاه معتبری برخوردار باشند. به همین دلیل، این افراد امکان همذات پنداری را در خواننده ایجاد می کنند. خواننده تمایل دارد خود را به جای شخصیت های داستانی قرار دهد و از جنبه های عقلانی و احساسی کسب تجربه کند. نکته جالب این است که خواننده حتی تمایل دارد در بعضی بخشها خود را به جای شخصیت های ضدقهرمان قرار دهد. دست یازیدن به چنین هدفی می تواند برای نویسنده موفقیت چشمگیری محسوب شود؛ چرا که او می تواند میان خواننده و اثر رابطه فراحی قابل قبولی برقرار سازد.

راضیه تجار علی رغم توجه به ابعاد عاطفی و احساسی مضامین مورد بحثش، به دریافت عقلانی نیز گرایش دارد. اصولاً دریافت از محیط برخلاف تصور همگان فرایندی کاملاً

برای مداوا به مریضخانه بفرستند.  
«صدای مادر جونی را شناخت و بعد صدای پدر را.  
- محال است بگذارم... او زیر دست مردان اجنبی...»  
(ص ۷۷)

نویسنده در همین صفحه در ایجاز کامل احساس دختر خانواده را به موقعیت پدر و مادر بیان می کند:

«سر در بالش پر فرو کرد و به مادر که در تاریکی انتهای باغ اسیر بود، فکر کرد. سر از روی بالش برداشت و به پدر فکر کرد؛ به او که در پس همین دیوار بود.»

غیر از مسائل مطروحه در تمامی صحنه ها نوعی شیفتگی عاطفی به طبیعت دیده می شود. نویسنده، بیش از حد مفتون و مجذوب طبیعت است. این گرایش عمیق، در تمامی آثار او به چشم می خورد. در حقیقت، طبیعت پیوندی انداموار و مستحکم با سایر عناصر داستانی چون مضمون، درونمایه شخصیتها، و... ایجاد کرده و غیر قابل تفکیک و جداسازی است. باید توجه داشت که پیش انگاره های نویسنده چنان قداستی را به نمایش می گذارد که در آن، انسان، اشیاء و طبیعت در کنار هم در معرض دید قرار می گیرند. این همنشینی هیچ گاه

از نکات بسیار حائز اهمیت در این اثر برداشتهای به بار نشسته جامعه سنتی

ما از جایگاه زن است. نویسنده در این اثر، با ریزبینی خاصی این جایگاه

را تعیین کرده است.

باعث تقابل این سه عنصر یا هم نمی شود بلکه پیوندی استوار و دوستانه را در ذهن خواننده متبادر می سازد. گلبرگهای گل سرخ، عطر گل های باغچه، ناز و محمدی و مریم، در پناه بوته گل سرخ، گل نیلوفری اذان، قوری گل سرخ، پره های گل محمدی و یاسهای رازقی و مریم گلی ها، ساقه گندم، کوچه اقا قیا، شاخه های کاج و بید مجنون، کلاغ، آب...

در پایان اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که نویسنده از نقش و عملکرد شخصیتها و ضرورت به حرکت درآوردن هر یک، کاملاً مطلع بوده و می دانسته هر فرد داستانی را تا کجا باید به نقش آفرینی وا دارد. نویسنده همچنین با بنای نظام درونی و بیرونی اثر خود این نکته مهم را به اثبات رسانده که بر سازه های داستانی و نوع گنش هر یک در قبال یکدیگر مطلع بوده و به خوبی از هر عنصر سود جسته و با ایجاد زنجیره ای مستحکم و قوی حقایق داستانی را به یکدیگر متصل کرده است. تا آنجا که رمان کوچه اقا قیا از ساختمان پایدار و قوام یافته ای برخوردار شده است. □

عقلانی است و اصلاً احساسی یا شهودی نیست، زیرا اگر چنین بود، نویسنده با اسکلت بندی نظام گسیخته ای مواجه می شد که حوادث و کنشهای داستانی اش را فاقد رابطه علت و معلولی می کرد. در عین حال، حضور جنبه های عاطفی قضیه می تواند بر شیوه روایتی نویسنده اثر گذار باشد. یکی از وجوه قابل توجه هنر تجار مبتنی است بر درک ژرف حقیقت که همان وضعیت اجتماعی و خانوادگی محرومان و اشرافیت سنتی است. فضای اجتماعی که در این رمان توصیف شده است، حول محور همین دو قطب می چرخد. همچنین در اثر، خانواده میرزا ابوتراب و خانواده کوچک خانم نیز در تقابل با هم قرار می گیرند. در یک سو اقتدار و استبداد وجود دارد و در سوی دیگر مظلومیت و فرمان پذیری. علت این تضاد، در ساحت وجودی مردان و زنان خلاصه می شود و ارزش گذاری جامعه ایرانی به جایگاه و موقعیت مردان. خانواده ای که مرد پرور است حرف آخر را می زند و خانواده زن پرور تحت فرمان خواهد بود.

در رمان کوچه اقا قیا خانواده کوچک خانم نه تنها نمی توانند اعتراضی به در بند کشیده شدن دختر شان و ازدواج مجدد میرزا ابوتراب کنند، بلکه حتی قادر نیستند دختر خود را